

نبردی که با کمک غربی‌ها شکست خورد

۱۴ دی ۱۴۰۳ ساعت ۱۲:۴۱

در اسفند ماه ۱۳۵۰ یک هیئت عمانی به ریاست ثوینی بن شهاب مشاور سلطان قابوس به تهران آمد و از دولت ایران برای سرکوبی شورشیان ظفار تقاضای کمک کرد. طبق موافقتنامه سری که در مارس ۱۹۷۲ بین طرفین امضاء شد مقرر گردید ایران با همکاری نیروهای انگلیسی که برای آموزش ارتش کوچک عمان در آن کشور باقی مانده بودند در این کار تشریک مساعی بکند.

با پیدا شدن دو بلوک شرق و غرب به سرمدمداری شوروی و ایالات متحده آمریکا، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان نیز به عرصه رقابت و درگیری میان حامیان جریان‌های چپ و راست تبدیل شدند. عمان از جمله این کشورها بود که در شورش ظفار، شاهد تقابل و رویارویی جبهه آزادیبخش ظفار علیه حکومت سلطنتی بود. این شورش که در سال ۱۹۶۲ آغاز شده بود تا چندین سال ادامه یافت اما در نهایت با شکست جبهه آزادیبخش ظفار پایان یافت. شرح شکل‌گیری جنبش و رویارویی آن با حکومت و همچنین علل شکست مخالفان از جمله موضوعاتی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

جنبش ظفار چگونه شکل گرفت؟

جنبش ظفار، جنبشی چپ‌گرا بود که در سال ۱۹۶۲ علیه حکومت سلطنتی شیخ قابوس شکل گرفت. البته گفته شده است که سابقه شکل‌گیری جنبش به اواخر دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. بر این اساس در ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸، سعیدبن تیمور، سلطان عمان و مسقط، برای سرکوب قبایل شورشی هوادار امام غالب بن علی، رهبر مخالفان سلطنت، از انگلستان، که از دیرباز بر این سرزمین سیطره سیاسی و اقتصادی داشت، کمک نظامی خواست. با مداخله نظامی انگلستان، شورشیان تضعیف و پراکنده شدند. این مبارزات بر گروه‌های ناراضی و شورشی در منطقه ظفار تأثیر گذاشت.^۱

بعد از پراکنده شدن گروه‌های ناراضی، چندین گروه مختلف با مشی سیاسی مشترک که همان مبارزه با حکومت سلطنتی جهت تحقق خواسته‌های سیاسی بود شکل گرفت اما در نهایت در ۱۳۴۳ ش / ۱۹۶۴، گروه‌های پراکنده شورشی و مخالف سلطنت، شامل شاخه ظفاری جنبش ملی گرای عربی و «انجمن خیریه ظفار» و «سازمان نظامیان ظفاری» و «سازمان جوانان عرب ظفار» و هواداران جنبش انقلابی و پیروان مسلم بن نوفل، رهبر قبیله آل باکثیر، با یکدیگر متحد شدند و «جبهه آزادیبخش ظفار» را بنیان گذاشتند.^۲

محل شکل‌گیری این جنبش، در ایالت یا استان ظفار بود و علت وجه تسمیه جنبش به ظفار نیز همین موضوع بود. جنبش ظفار به دنبال کسب استقلال برای استان ظفار بود. این جنبش از نظر سیاسی و نظامی مشی مسلحانه داشت و ظاهراً از طریق کشورهای خارجی مسلح شده بود. برخی از کشورهای کمونیستی همچون چین از حامیان این جنبش بودند.

آغاز نبردها و نتیجه آن

همانطور که گفته شد جنگ ظفار از سال ۱۹۶۲ آغاز شد و تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافت. علیرغم اینکه طی این سالها جنبش ظفار با فراز و نشیبها و مشکلات زیادی همراه بود؛ اما تا سال ۱۹۶۹ موفق به اشغال بیش از ۹۰ درصد از ظفار شد. این اتفاق بخصوص بعد از تشکیل کنگره دوم جنبش اتفاق افتاد. جبهه آزادیبخش ظفار اولین کنگره خود را در سال ۱۹۶۵ برگزار کرد، این کنگره نقطه عطفی برای آغاز رسمی مبارزات جنبش بود. مبارزه مسلحانه با ۹ تفنگ توسط جبهه آزادیبخش در کوهستانهای ظفار که شرایط جنگهای چریکی را داشت آغاز شد.^۳

بعد از این کنگره روند پیشروی و نبرد جنبش تا حدودی کند بود؛ اما بتدریج تقویت شد و تا سال ۱۹۶۸ جنبش ظفار موفق به اشغال بخشهای زیادی از ظفار شد. بعد از این موفقیت، جنبش دومین کنگره خود را برگزار کرد و در آن تصمیمات جدیدی گرفت. از جمله این تصمیمات این بود که بی سوادی را در مرحله اول در بین افراد ارتش آزادیبخش و گروههای مقاومت ملی، بکلی ریشه کن سازند.

بر اساس این تصمیم تاریخی بود که حرکتی برای از بین بردن بی سوادی شروع شد که نه تنها در بین افراد و گروه فوق الذکر توسعه داده شد، بلکه دامنه فعالیتش در بین توده هم گسترده گردید. در کنار آموزش خواندن و نوشتن، تعلیمات جنگی و چریکی نیز که محدود بود به مبارزه و دفاع در برخورد با نیروهای دشمن و اوضاع جغرافیائی و تاریخی سرزمینهای آزاد شده نیز تدریس می شد. اما این موفقیتها بتدریج به شکست منتهی شد. علت شکست جنبش را می توان ناشی از موارد متعددی از جمله کمک کشورها و متحدان بلوک غرب دانست.

کمکهای کشورها و متحدان خارجی سلطان قابوس

سلطان قابوس در طی جنگ با ظفار توانست نظر مساعد بسیاری از کشورهای بلوک غرب را علیه تهدید ظفار پررنگ کند. این موضوع باعث سرازیر شدن سیل کمکهای نظامی و انسانی به این کشور شد. در بین این کشورها، حکومت محمدرضا شاه نیز از جمله کشورهایی بود که به حکومت سلطان قابوس کمک شایانی کرد. یکی از علل کمک حکومت پهلوی به این کشور ترس از قدرت یابی کمونیستها و الگو قرار گرفتن آن توسط مردم ایران بود که می توانست سلطنت او را نیز با تهدید جدی مواجه سازد. گذشته از این، استراتژی آمریکا در دهه ۷۰ نسبت به کشورهایی چون ایران نیز در این موضوع دخیل بود. حکومت نیکسون در این دهه به تمایلات شاه برای تقویت نظامی و خرید سلاحهای جنگی جواب بسیار مساعدی داد و در تمام دوران حکومت نیکسون فروش سلاحهای پیشرفته و پیچیده به ایران رو به افزایش نهاد. نتیجه آنکه ایران به ملامصطفی بارزانی و گروه اکراد در نبرد با دولت عراق، به تیو، حکمران ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۲، به مراکش در نبرد با جبهه پولیساریو و چندین کشور دیگر کمک کرد. اعزام نیروی مستقیم و شرکت در یک سلسله نبردهای خونین ظفار عمان نیز اوج این فرایند مرتبط با تحولات و دگردیسیهای سیاسی و نظامی دولت امریکا بود.^۵

این اتفاق در سال ۱۹۵۰ (۱۹۷۱ م) روی داد. بر این اساس «در اسفند ماه ۱۳۵۰ یک هیئت عمانی به ریاست ثوینی بن شهاب مشاور سلطان قابوس به تهران آمد و از دولت ایران برای سرکوبی شورشیان ظفار تقاضای کمک کرد. طبق موافقتنامه سری که در مارس ۱۹۷۲ بین طرفین امضاء شد مقرر گردید ایران با همکاری نیروهای انگلیسی که برای آموزش ارتش کوچک عمان در آن

کشور باقی مانده بودند در این کار تشریک مساعی بکنند.»^۶

اما جالب است که مشارکت ایران در جنگ ظفار با هدایت مستقیم آمریکا و حتی حضور نیروهای نیابتی این کشور صورت می‌گرفت و این موضوع نشان‌دهنده میزان تأثیرپذیری شاه ایران از آمریکا و میزان نفوذ این کشور در امور سیاسی و اقتصادی ایران است. فرد هالیدی از پژوهشگران فعال در زمینه تاریخ معاصر ایران در این رابطه آورده است:

«شاهد خطرناک دیگر این واقعیت است که از هم اکنون نشانه‌هایی از شرکت افراد آمریکایی در عملیات نظامی فعال نیروهای ایران دیده شده است. نفرت آمریکائی در جنگ کردستان عراق در پروازهای عملیاتی و در جنگ ظفار در پروازهای شناسائی شرکت داشتند: گروه کوچکی از کارشناسان امریکائی در عملیات زمینی ظفار شرکت داشتند و قسمتی از مراقبت خلیج فارس و شمال اقیانوس هند توسط هواپیمای اف ۱۴ ایران را نفرت امریکائی انجام می‌دهند.»^۷

فهرست منابع

۱. دانشنامه جهان اسلام، "جبهه آزادیبخش ظفار"، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، شماره ۴۴۹۷.

همانجا.

انقلاب ظفار و تحولات خلیج، (بی جا) : اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ج ۱، ۱۳۵۴، ص ۳۳.

همان، ص ۳۹.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت

پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹.

عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف،

۱۳۶۸، صص ۲۷۲-۲۷۳.

فرد هالیدی، ایران، دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۸، ص ۹۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۴۹۹۵۵/خورد-شکسته-ها-غریب-کمک-نبرد/>